

خبرها

دو فیلم ایرانی در بخش رقابتی جشنواره «رولان» ارمنستان

بخش فرهنگی – دو فیلم ایرانی در بخش رقابتی چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان «رولان» در کشور ارمنستان به روی پرده می‌روند.

به گزارش ایسنا، فیلم‌های «تسترن‌های وحشی» به کارگردانی رهبر قبری و «یه‌وا» آناهد آباد، در بخش رقابتی جشنواره فیلم کودک «رولان» ارمنستان به نمایش گذاشته می‌شوند.

بخش بین‌المللی دو فیلم «تسترن‌های وحشی» و «یه‌وا» حاضر در این رویداد سینمایی بر عهده بنیاد سینمایی فارابی است.

در خلاصه داستان «تسترن‌های وحشی» آمده است: معلمی در کوهستان‌های برف گرفته برای آنکه مدرسه‌اش ممکن است به دلیل عدم حد نصاب تعطیل شود، به دنبال دانش‌آموزانش می‌رود تا سرنوشت آنها را جستجو کند اما خود دچار معضل بزرگتری می‌شود.

فیلم «یهوا» دربارهٔ مادری است که در تلاش است گذشته پر فراز و نشیب خود را به فراموشی سپارد. «یهوا» یک پزشک ۳۴ ساله است که به اتهام قتل شوهرش تحت پیگرد قانونی قرار دارد. او برای حفاظت از دختر خردسالش از ایروان فرار کرده، به نقطه دوردستی پناه می‌برد و …

چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «رولان» ویژه کودکان و نوجوانا توسط بنیاد ترویج سینما و تلویزیون ارمنستان به نام «بنیاد رولان بایکوف» از تاریخ ۱۵ تا ۱۹ آبان (۲۶ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸) در ایروان ارمنستان برگزار می‌شود.

-
-
-
-

پدر «ژیتو» در گذشت

بخش فرهنگی – «کارلو جیوفری» ستاره کهنه‌کار سینما و تئاتر ایتالیا که از سطح بین‌المللی بیشتر برای بازی در نقش «پدر ژیتو» شناخته می‌شود در ۹۰ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، «جیوفری» متولد سوم دسامبر ۱۹۲۸ در طول دوران فعالیت هنری خود در بیش از ۹۰ فیلم به ایفای نقش پرداخت و در دهه ۱۹۷۰ میلادی به ستاره تئاتر همچنین آثار کمدی ایتالیایی تبدیل شد.

وی در عرصه بین‌المللی بیشتر برای بازی در نقش پدر «پتو» در فیلم «پیتوکیو» ساخته «روبرتو بینینی» در سال ۲۰۰۲ به شهرت رسید.

این فیلم گرچه در آمریکا به یک شکست تجاری تبدیل شد اما در سینمای ایتالیا فروش خوبی داشت. «روبرتو بینینی» قرار است در اقتباس جدید سینمایی از داستان «پیتوکیو» به کارگردانی «متئو گارونه» در نقش پدر «پتو» بازی کند. «جیوفری» که دانش‌آموخته آکادمی ملی نمایش ایتالیاست کار خود را در سال ۱۹۴۷ با برادرش «آلدو جیوفری» آغاز کرد و در سال ۱۹۴۹ برای اولین بار در نقش مقابل «ادواردو د فلیپپو» نویسنده و بازیگر ایتالیایی به روی صحنه رفت و این نمایش آغاز یک همکاری طولانی مدت میان این دو چهره شد که تا دهه ۱۹۸۰ میلادی ادامه پیدا کرد.

«جیوفری» در سینما نیز با بازی در فیلم «دختری با تپانچه» در سال ۱۹۶۸ به کارگردانی «موریو موسیسی» نامی برای خود دست و پا کرد. این فیلم نامزد بهترین فیلم خارجی در جوایز سینمایی اسکار شد.

وی در دهه ۱۹۷۰ میلادی به یکی از ستاره‌های سینمای کمدی ایتالیا تبدیل شد و در سال ۱۹۸۱ میلادی نیز این فرصت را یافت در فیلم «پوست» در کنار بازیگران نامداری چون «مارچلو ماسترویانی»، «برت لنکستر» و «کلودیا کاردیناله» بازی کند و این فیلم جشنواره فیلم کن را افتتاح کرد.

سال ۱۹۸۷ نیز با اعطای جایزه «دیوید دی دولاتو» معروف به اسکار سینمای ایتالیا به «جیوفری» برای بازی در فیلم «من خوشبختم» ساخته «مائوریزو پونزی» همراه شد.

آخرین حضور او در صحنه تئاتر به سال ۲۰۱۵ بازمی‌گردد که در اقتباس نمایشی از فیلم «فهرست شیندلر» اسپیلبرگ بازی کرد و در آخرین حضور سینمایی خود نیز در سال ۲۰۱۶ در کمدی «عادلانہ نیست مرا ترک کنی» ساخته «وینچنزو سالمه» مقابل دوربین رفت.

-
-
-
-

درگذشت بازیگر ۵۰+ فیلمه

بخش فرهنگی – شین سنوگ-ایل که او را از مهم‌ترین بازیگران تاریخ سینمای کره جنوبی می‌دانند، پس از یک و سال نیم مبارزه با بیماری در سن ۸۱ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، «شین سنوگ-ایل» بازیگر افسانه‌ای کره‌ای بود که در بیش از ۵۰۰ فیلم در دوران فعالیت خود حضور داشت و از او به عنوان شاهدی زنده از سینمای کره جنوبی یاد می‌شد.

پارک چان-ووک کارگردان فیلم «ولد بوی» در واکنش به درگذشت این بازیگر بزرگ گفت: اگر در ژاپن «توشیرو میفونه»، در ایتالیا «مارچلو ماسترویانی»، در آمریکا «گرگوری پک» و در فرانسه «آلن دلون» داریم، سینمای کره جنوبی نیز «شین سنوگ-ایل» را برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها دارد و هیچ جایی دنیا سینما و هنر به یک فرد چون «شین سنوگ-ایل» وابسته نبوده است و بدون شناخت از وی، درک تاریخ سینما و فرهنگ مدرن کره جنوبی دشوار است.

شین سنوگ-ایل تنها در سال ۱۹۶۷ میلادی در ۵۱ فیلم بازی کرد که در سینماهای کره جنوبی اکران شد و در فاصله هشت سال بین ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۱ در ۳۴۴ فیلم مقابل دوربین رفت که برابر با ۲۷ درصد از ۱۱۹۴ فیلمی است که طی این چند سال در کره جنوبی به نمایش گذاشته شد.

وی در عصر طلایی سینمای کره جنوبی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به شهرت فراوانی به عنوان برترین بازیگر نقش اول دست یافت و فیلم «فقط برای تو» محصول سال ۱۹۶۲ نیز نقش بسیار مهمی در ستاره شدن «شین سنوگ-ایل» داشت و فیلم «حوان پابرهنه» (۱۹۶۴) نیز نام او را به عنوان نماد جوانی در سینما مطرح کرد.

این بازیگر کره‌ای در سال ۱۹۶۸ نیز با بازی در فیلم «یونج» به جشنواره فیلم برلین رفت تا نام خود را به عنوان یک بازیگر تحسین شده بیش از پیش تثبیت کند. جشنواره فیلم بوسان سال گذشته برنامه‌ای برای مرور آثار این سینماگر کهنه‌کار ترتیب داده بود.

کیم سی-مو منتقد سینمایی نام «شین سنوگ-ایل» را مترادف با سینمای کره جنوبی دانسته است.

{ فرهنگ و هنر }

گفت و گو با پیتر رینولدز، نویسنده و تصویرگر آمریکایی:

چیزهای فوق‌العاده‌ای درباره مردم ایران شنیده‌ام

محمدرضا چهارسوقی‌امین

پیتر همیلتون رینولدز نویسنده و تصویرگر آمریکایی است. وی در سال هزار و نهصد و شصت و یک در کانادا متولد شد و دوران تحصیلش را در دانشگاه ماساچوست آمریکا گذراند. جدا از تصویرگری کارهای کودک برجسته‌ای مانند مجموعه جودی دمدمی و استینک، او را بیشتر به‌خاطر نوشتن کتاب نقطه و سه‌گانه خلاقیت‌شناسی‌اش می‌شناسند. نسخه اصلی کتاب نقطه که توسط نشر امیرکبیر وارد بازار کتاب ایران شده است، توسط انتشارات کندل پرس منتشر شده و تاکنون به بیست زبان زنده دنیا ترجمه شده است. کتاب نقطه تاکنون برنده جوایز متعددی از جمله مدال کریستوفر شده است.

◆ چه زمانی تصمیم می‌گیرید که قسمت خاصی از کتابتان را نقاشی کنید؟ آیا هنگام باز خوانی کتاب این کار را انجام می‌دهید یا در حین نوشتن؟

من تمام داستان‌هایم را با یک ایده شروع می‌کنم و سپس آن را تبدیل به نقاشی می‌کنم. برای اینکه حین روایت داستان به خودم کمک کنم داستانم را به‌صورت یک فیلم کوتاه تصور می‌کنم. بعد ماجرای کلی کتاب و عناوین اصلی را می‌نویسم و اینگونه ماجرایم را برای دیگران توضیح می‌دهم. سپس از نتیجه به دست آمده به‌عنوان پایه و اساسی برای نوشتن متن نهایی استفاده می‌کنم.

◆ آیا خارج از استودیوتان هم راجعه به سرنوشت شخصیت‌هایی که خلق کرده‌اید فکر می‌کنید؟

سوال جالب و شورانگیزی بود. شخصیت‌های که من خلق می‌کنم در لحظه‌های داستانم زندگی می‌کنند، اما من این را می‌دانم که شخصیت‌هایم هر لحظه پا به دنیای ما می‌گذارند تا مردم را در مسیر شکل‌دادن به ایده‌هایی که آن‌ها را به یک زندگی برپا می‌رساند یاری دهد. اگر از این زاویه به قضیه نگاه کنید، شخصیت‌های من مامورانی هستند که برای به انجام رساندن ماموریتی که من معین کرده‌ام استخدام شده‌اند.

◆ حال که خارج از استودیو خود راجعه به شخصیت‌هایتان فکر می‌کنید، بگذارید بپرسم آیا تابه‌حال شده که در حین انجام کارهای روزمره خود احساسی مانند تنفر ناگهانی یا چنین چیزی راجعه به شخصیت خاصی پیدا کنید و بخواهید سرنوشتش را تغییر دهید؟

یک سوال بی‌ظنیر دیگر. فکر نمی‌کنم که تابه‌حال حتی از شخصیت‌های نامهربان داستان‌هایم هم متنفر شده باشم. بازیگران من نقش‌هایی دارند که موظف‌اند آن‌ها را اجرا کنند، آن‌ها باید احساسات مخاطب را بیدار کنند و آن‌ها را به نقطه‌ای از داستان هدایت کنند که من می‌خواهم در آنجا رهایشان کنم. داستان‌های عالی گروه‌هایی دارند که به‌وسیله نویسنده بسته شده‌اند. شخصیت‌ها با خواننده کمک می‌کنند تا به کمک فهم خویش گروه‌ها را باز کنند و به پیام اصلی داستان دست یابند.

◆ استودیو شما چه شکلی است و چه چیزی در آن سایر چیزها برایتان الهام‌بخش‌تر است؟

کارگاه نگارش و هنر من اتاقی ساکت با پنجره‌های بزرگ است. این اتاق در طبقه دوم یک سینما که در سال هزار و نهصد و هفتاد و دو ساخته شده واقع است. قفسه کتاب بزرگ من که ارتفاعش به سقف می‌رسد پر از کتاب‌هایی است که به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند و لرایم الهام بخش‌اند. کتاب‌ها موضوعات مختلفی مثل روانشناسی، آموزشی و پرورش خلاقیت دارند. میز کارم پایه‌های بلندی دارد و اشپرخانه کوچکی برای تهیه چای در اتاقم وجود دارد. به‌علاوه اتاق پر از وسیله‌های تزئینی و جعبه‌هایی است که از طرح‌های اولیه کارهایم پر شده‌اند.

◆ اگر یکی از مخاطباتان بخواهد شخصیت داستان شما شود باید چه کار بکنند؟ آیا تابه‌حال شخصیتی از دنیای واقعی را وارد کتاب‌هایتان کرده‌اید؟

من عاشق این کار هستم. در واقع من برای خلق شخصیت‌هایم درست از آدم‌هایی که ملاقاتشان می‌کنم الهام می‌گیرم. در کتاب نقطه، از اسم دختری که او را در کافی‌شاپ

ملاقات کرده بودم استفاده کردم که می‌توانید ماجرایش را در اینجا بخوانید. سعی‌ام را می‌کنم تا بتوانم فرهنگ‌های متعددی را در کتاب‌هایم به نمایش بگذارم به امید اینکه بتوانم داستان‌هایی جهانی بگویم که تا جایی که می‌شود با مردم مختلف دنیا ارتباط برقرار کنند. از دخترها و پسرهایی ایرانی می‌خواهم تا «نقطه‌هایشان را به نقطه‌های من پیوند بزنند» و ایده و توانایی‌شان را با من در میان بگذارند تا من بیشتر آن‌ها را بشناسم، شاید یکی از آن‌ها در نهایت سر از کتاب بعدی‌ام بیرون آورد.

◆ چطور نقاشی می‌تواند حسی مشترک را به کودکانی که زبان یکسانی ندارند القا کند؟
من قویا باور دارم که نقاط مشترک ما انسان‌ها بیش از تفاوت‌هایمان است. همه ما محتاج عشق هستیم، همه ما نیازمند هدف هستیم، همه ما در جست‌وجوی معنا هستیم. همه ما هدیه‌های پایان‌ناپذیری از توانایی‌ها و استعدادها داریم که برای فعال‌کردن آن‌ها تنها نیاز به کمی تشویق داریم. همه ما احتیاج به تغذیه و تقسیم خوراکمان داریم. به آن‌هایی که عاشقشان هستیم داریم. همه ما توانایی مهربان بودن، بخشنده‌بودن و خلاق بودن را در وجود خود داریم. من برای بافتن فرشی که تمام انسان‌های دنیا را دور هم جمع می‌کند دنبال چنین نخ‌هایی می‌گردم که ما در سراسر جهان به هم پیوند می‌دهند.

◆ در رابطه با پیام اصلی داستانتان در حین نوشتن فکر می‌کنید یا بعد از نوشتن؟
خب ایده‌ها مانند یک برق، جرقه یا خیال به من الهام می‌شوند. دیدن اینکه می‌توانم به وسیله هنرم، شخصیت‌هایم و داستانم دیگران را وادار کنم روی ایده‌ای که توجه من را جلب کرده فکر کنند من را به وجد می‌آورد. دوست دارم با پیام‌هایی مثل عشق، شجاعت،بخشش، خلاقیت و کنجکاو بودن الهام‌بخش مخاطبانم باشم.

◆ به نظر شما الهام‌بخش‌ترین شخصیت کتاب کودک کدام شخصیت بوده است؟

من عاشق این هستم که می‌بینم اکثر کتاب‌های کودک نشان می‌دهند که کودکان و افراد جوان چقدر بی‌ظنیر، بهبودپذیر و باهوش هستند. برای مثال هری‌پاتر یک مثال عالی از شخصیتی است که زندگی چالش‌برانگیزی داشت، اما با کمک دوستانش و کشفیات خودش درباره هدیه‌هایی که به او داده شده بود به قدرت و توانایی خود پی برد. **◆ شما سه‌گانه‌ای درباره خلاقیت خلق کرده‌اید، یکی از کتاب‌های این سه‌گانه درباره شجاعت، دیگری درباره تسلیم نشدن و ادامه دادن و کتاب سوم درباره یادگیری است. از بین این سه رکن خلاقیت کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟**

این‌ها همگی عناصری مهمی هستند که افراد برای بیان خود به آن‌ها احتیاج دارند. به نظر من ایش (برآیند نهایی داستان نقطه) می‌تواند عمیق‌ترین معنا را بر دوش خود بکشد. من دوست دارم کسانی را که گمراه شده‌اند و در بی‌اشتباه بودن هستند را تشویق کنم تا شادی را در آنچه که هستند بیابند، آرامش خود را حفظ کنند، از زندگی خود لذت ببرند، مسیرشان را طی کنند و هرگز متوقف نشوند. اینگونه است که ما در همه چیز پیشرفت می‌کنیم، با پافشاری و باور به خودمان.

◆ در ایران کسی روز «نقطه» را جشن نگرفت، راجعه به این روز و کارهایی که باید در این روز انجام دهیم صحبت کنید.

خب، عاشق این هستم که ببینم روز نقطه در ایران جشن گرفته شود. حتی اگر فقط خود تو این کار را انجام بدهی، ایران در بین کشورهایی که برای جشن گرفتن این روز پیش قدم شده‌اند قرار می‌گیرد. یک نقطه بکش، امضایش کن، آن را در جایی از کشورت قرار بده، از آن عکس بگیر و آن عکس را یا برای من بفرست و یا در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذار. می‌توانی دوستانت را در این راه با خودت همراه کنی؟ یا حداقل یک مدرسه یا یک معلم را نمی‌شناسی؟ به آن مدارس برو و برای بچه‌ها کتاب نقطه را بخوان و سپس از آن‌ها بخواه که نقطه خودشان را بکشند، همچنین از آن‌ها بخواه که یک کلمه مثبت زیر نقطه‌شان بنویسند. شروعی کوچک با تفکری بزرگ.

چند شاهکار ادبی و هنری که هیچگاه به پایان نرسیدند

است)، مورد توجه واقع شده است. در این تابلو، پرتره ای از سنت جروم به همراه تصویری از یک شیر که همیشه همراهش بوده، دیده می‌شود. با آن که این اثر هنری باشکوه ناتمام است اما از خلاقیت و قدرت هنری فوق العاده لئوناردو در نقاشی حکایت دارد.

نقاشی سنت جروم در بیابان که حدود سال های ۱۴۸۰ میلادی خلق شده است، به این دلیل که به رویکرد داوینچی به هنرهای تجسمی اشاره دارد، تابلویی ارزشمند به شمار می آید. این تابلو بعد از این که وقایع زیادی را از سر گذراند در نهایت، توسط «پاپ پیوس نهم» خریداری و در موزه هنری پیناکوتک واتیکان (VATICAN PINACOTECA) به نمایش گذاشته شد.

۴. «آمزش خوانی در دو مینور»، **ولفگانگ آمادئوس موتسارت**

شاید شاهکار موسیقایی ناتمامی شگفت‌انگیزتر از «رکوتیم» (آمزش خوانی) موتسارت در دنیای موسیقی وجود نداشته باشد. موتسارت این قطعه را که با مرگش ناتمام ماند، در سال ۱۹۷۱ خلق کرد. تابلوهای نقاشی که موتسارت را در تلاش برای تکمیل این شاهکار در بستر مرگش نشان می دهد، حاکی از عشق او به این کار است.

«رکوتیم در دو مینور»، توسط «گُنت فرانک فون والسگ» برای سالگرد مرگ همسرش سفارش داده شد. محققان بر این باورند که به احتمال زیاد، والسگ قصد داشته رکوتیم را اثر خودش بنامد زیرا او به انجام این کار با آثار دیگر نیز شهرت دارد. موتسارت که در زمان ساختن این قطعه از بیماری ناشناخته ای رنج می برد، حتی بر این باور بود که رکوتیم را به عنوان مرتبهٔ آموزش برای مراسم خاک سپاری خودش می سازد. نسخه خطی اثر نشان می‌دهد اتمام و سازبندی آغاز قطعه به دست موتسارت انجام شده است.

۵. «راز ادوین درود»، **چارلز دیکنز**

شاید بتوان چارلز دیکنز را در زمان مرگش در سال ۱۸۷۰ نامورترین نویسنده انگلیسی زبان دانست. آخرین اثر او به نام راز ادوین درود، یک داستان جنایی است که در زمان خلقتش، درحال تبدیل به یک داستان سریالی در یک مجله محبوب بود.

هرچند این کار در مراحل پایانی قرار داشت اما مرگ دیکنز در ۵۸ سالگی آن را ناتمام گذاشت. دیکنز هیچ سرخنی باقی نگذاشت که نشان دهد قاتل اصلی که داستان بر محور او می چرخد، چه کسی است. تعدادی از نویسندگان تلاش کردند کتاب را به اتمام برسانند. از جمله آن ها فردی به نام «توماس جیمز» بود که ادعا کرد برای نتیجه گیری پایانی کتاب، از روح دیکنز کمک گرفته است. هرچند نویسندگان شناخته شده ای اتمام کتاب توسط جیمز را ستودند با این حال آخرین اثر چارلز دیکنز همچنان در فهرست رازهای ناگشوده قرار دارد.

خبرها

شاهین فرهت:

محدودیت‌های تلویزیون باعث از دست رفتن مخاطب شده است

بخش فرهنگی– شاهین فرهت معتقد است: محدودیت‌های ایجاد شده توسط سیما [تلویزیون] باعث از دست رفتن مخاطبان آن شده است.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی شبکه چهار

سیما، پنجمین نشست از برنامه «شب موسیقی»

یک شنبه ۱۳ آبان، با موضوع «فرهنگ شنیداری و ذائقه موسیقایی»، میزبان دکتر شاهین فرهت – آهنگساز، دبیر سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر و مدرس موسیقی – و محسن الهامیان – موسیقیدان، نویسنده، مترجم و آهنگساز – بود.

در ابتدا رضا مهدوی پرسش خود را اینگونه مطرح کرد: امروز ما به گوشمان دقت نمی‌کنیم و به راحتی هر چیزی در آن ورود می‌کند و گویا ما ناگزیر به پذیرش آن هستیم. چه کاری باید انجام داد تا این فرهنگ شنیداری درست شود؟

شاهین فرهت توضیح داد: دو عامل برای ادراک موسیقی نیاز است؛ یکی ژن خاص و دیگری تکرار و به گوش رساندن است که در عامل دوم رسانه‌های جمعی بسیار مؤثرند.

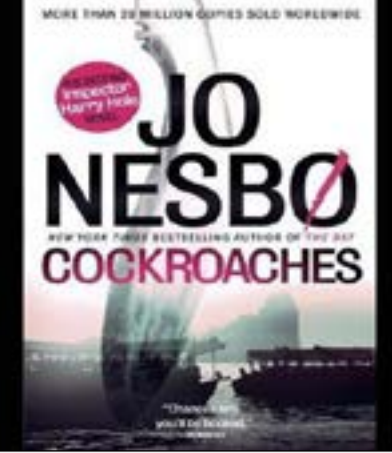
با این حال محسن الهامیان در بحث ژن خاص با دکتر فرهت مخالفت کرد و گفت: همه می‌توانند از موسیقی استفاده کنند و برای درک و لذت بردن از آن نیاز به ژن خاصی نیست. ما باید به جوان‌ها حق بدهیم آنچه دوست دارند را گوش بدهند. جوانان انتظاراتی دارند که ما در این سن و سال متوجه آن نمی‌شویم؛ بنابراین نباید بر آن‌ها خرده بگیریم. او در ادامه چند پاراگراف از کتاب «شناخت موسیقی مردم پسند» را خواند و نتیجه گرفت: نباید به همه چیز از دید نخبه‌گرایانه نگاه کرد و اگر به افراد حق انتخاب داد بسیار مناسب‌تر است.

فرهت با اشاره به یکی از آثارش به نام «سمفونی دماوند» بیان کرد: انسان احساسی از مطلبی می‌گیرد و موسیقی می‌نویسد. من از بچگی از دیدن کوه دماوند مسخ می‌شدم. قسمت اول یک صعود ذهنی است. قسمت دوم زیبایی‌های دماوند است و قسمت سوم طوفانی در قله در یک روز سرد زمستانی است و بعد دوباره به عظمت دماوند برمی‌گردد و سمفونی تمام می‌شود.

این آهنگساز سپس در ادامه بحث ژن خاص گفت: ممکن است بعضی ها به عنوان مثال ژنشان به موسیقی کلاسیک جور نباشد، منظور من این بود و من انواع موسیقی را دوست دارم. موسیقی در شرایط زمان و مکان معنا پیدا می‌کند.

-
-
-
-

دومین رمان یو نسبو ترجمه می‌شود



بخش فرهنگی– عباس کریمی‌عباسی از آغاز ترجمه دومین رمان یو نسبو از سری هری هووله خبر داد.

عباس کریمی عباسی شاعر و مترجم در گفتگو با مهر، درباره ترجمه جدید خود گفت: به تازگی ترجمه دومین رمان یو نسبو را از سری هری هووله آغاز کرده‌ام. اولین رمان کارآگاه هری هووله «خفاش» نام دارد که ترجمه‌اش را به ناشر تحویل داده‌ام و در انتظار مجوز چاپ است.

وی افزود: یو نسبو نویسنده نروژی است که طبق توافقی که با نشر چترنگ داشته‌ام، قرار است این ناشر مجموعه کتاب‌های این نویسنده با محوریت شخصیت کارآگاه هری هووله را به چاپ برساند. من ترجمه اولین رمان را تحویل همین ناشر داده‌ام و ترجمه دومین عنوان را هم به تازگی آغاز کرده‌ام.

این مترجم ادامه داد: اولین کتاب‌های یو نسبو با کاراکترهای دیگری در نشر چترنگ به چاپ رسیدند. نسبو شهرت جهانی دارد و منتاسفانه برخی ترجمه‌های سردستی و ناقصی از برخی آثارش انجام شده که ممکن است قضاوت غلطی نسبت به آثار این نویسنده در خواننده ایرانی به وجود بیاورد.

کریمی درباره دومین ترجمه‌اش از کتاب‌های یو نسبو گفت: ماجرای دومین رمان هری هووله در باتکوک می‌گذرد و وی که در داستان قبل به دنبال یک قاتل سریالی در سیدنی بوده اکنون ماجرای مرگ سفیر نروژ در تایلند را بررسی می‌کند. نسبو در این کتاب نیز در قالب داستانی جذاب به معضلات اجتماعی زندگی امروزی و نقد سیاست و فرهنگ جوامع بشری پرداخته است. سعی دارم تا بهمن‌ماه امسال ترجمه این رمان را به نشر چترنگ تحویل بدهم. هنوز برای رمان دوم نامی انتخاب نکرده‌ام.